



۱۱

نگاهی به سیر نزولی اکران فیلم خارجی در سینماهای کشور طی ۳۴ سال گذشته

فرار به سوی شکست

سلیقه ایرانی‌ها در انتخاب کتاب‌های خارجی چیست؟

وقتی کتاب همسایه غاز است

۱۲

فهرست هزینه‌های برگزاری سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران زودتر از موعد معمول منتشر شد

حساب و کتاب!

فرهنگ

سه‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۰۹



۱۰

۹ جامه

پشت صحنه

والیبال و صرفه‌جویی

وفیلم‌های خارجی

قطع میشه، وصل میشه، قطع میشه، وصل میشه... دیگه قطع نمی‌شه! این



وضعیت دیروز ما بود در تحریریه. بس که برق مجموعه قطع و وصل شد. یحتمل در تابستان پیش رو با بسامد بیشتری هم با این پدیده روبه‌رو خواهیم شد. وضعیت رسیدن مصرف برق به نقطه اوج خودش که البته چند پله‌ای هم بالاتر از توان کل نیروگاه‌های کشور است در کنار استفاده بدون توقف از وسایل سرمایشی که مثل هلو هم برق مصرف می‌کنند، وضعیت بغرنجی را نوید می‌دهد. خلاصه که در مصرف برق صرفه‌جویی کنید، انصافا داشتید چطور در صفحات فرهنگی، پیام اخلاقی صرفه‌جویی در مصرف سر می‌دهیم؟!... و اما بعد!

حالا که از ربط دادن پیام اخلاقی صرفه‌جویی به صفحات فرهنگی



همچنان در بهت و حیرت به سر می‌برید و هر آینه، خنج بر سر و صورت می‌کشید اجازه دهید این مساله را مضاعف کرده و خبر از این دهیم که این تنها هنر بچه‌های فرهنگی نیست. نمونه‌اش همین زینب مرتضایی‌فرد که نه فقط در هنر و موسیقی و تجسمی و ادبیات می‌لکد، بلکه در آخرین فقره، گریزی هم به فضای ورزش حرفه‌ای زده و مسابقات والیبال که در ارومیه برگزار می‌شد. مرتضایی‌فرد قلاب به این مساله انداخته و ماهی خودش را گرفته. انصافا قلم صمد خوبی به دام انداخته. این شما و این صید مرتضایی‌فرد که در همین صفحه مکتوب و خواندنی شده.

و آما سینما... چند روز قبل معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینما یک



گزارش مبسوط و مفصل منتشر کرده از این‌که در ۳۴ سال گذشته، وضعیت اکران فیلم‌های ایرانی و خارجی در سینماهای داخل کشور

چه بوده و چه شده و هر کدام از این فیلم‌ها موفق به جذب چه درصدی از مخاطبان شده است. راستش را بخواهید این گزارش نظر ما را که خیلی جلب کرده دیگران را نمی‌دانیم. علی آقای رستگار، خبرنگار خوش ذوق و باسواد و خوش‌قلم ما که سوزدها را روی هوا می‌زند و چنان روغن و ادویه‌ای بهشان می‌زند که هوش از سرهر خواننده‌ای می‌پراند، قلابش به همین گزارش گیر کرده و گزارشی طبع کرده خواندنی. رستگار، لباس غواصی پوشیده و شیرجه زده لای این گزارش تقریباً ۱۲۷ صفحه‌ای و پر از عدد و رقم و به نتایج جالبی دست پیدا کرده. خواندن چنین گزارش‌هایی فهم خوبی به آدم دست می‌دهد که اکران فیلم‌های خارجی در سینماهای ایران چه شکل و شمایل داشته‌اند. خلاصه که بروید صفحه ۱۱.

در نهایت هم در صفحه ۱۲ گریزی زده‌ایم به وضعیت ادبیات جهان و ژانرهای



مختلف. خب به همت تیم هنرو ادبیاتی‌های گروه و در کل کل با صفحه سینمای جهان، حالا صفحه ادبیات جهان هم هر از چندی مهمان ما در صفحات فرهنگی خواهد بود.



همه چیز درباره نشان تجاری ایرانی «مجید» یا «مروژ» که لباس ورزشی تیم ملی والیبال، کشتی و... را طراحی و تولید می‌کند

مورچه ایرانی شیر است!



زینب مرتضایی‌فرد ادبیات و هنر

آنها وسط زمین در تلاشند تا این بازی جهانی توپ و تور را به سرانجامی که باید برسانند و پیروز میدان شوند. ما هم در خانه پای تلوپیزرون، در تاکسی گوش به رادیو، گاهی در سالن‌های ورزشی و... با هیجان بازی را دنبال می‌کنیم و مدام از ته دل آرزو می‌کنیم که پیروز این میدان باشیم تا نام ایران باز هم بدرخشد. در میان این همه هیجان و اتفاق، احتمالاً تعداد کمی از ما بدانیم که بازیکنان تیم والیبال کشورمان با لباس‌های ایرانی به رقابت‌های جهانی می‌روند. لباس‌هایی که همین جادر کشور خودمان طراحی و دوخته می‌شوند؛ لباس‌های با نشان تجاری مجید یا مروژ که حالا در جهان همپای نشان‌های تجاری پرسر و صدایش می‌رود و با آنها رقابت می‌کند.

بله، هم ما درست نوشته‌ایم و هم شما درست خوانده‌اید! لباس‌هایی که تیم ملی والیبال کشورمان می‌پوشد و به میدان بازی‌های جهانی می‌رود، ایرانی است. لباس‌های ایرانی با کیفیتی که پیشتر برخی تیم‌های فوتبال و کشتی و... هم آن را پوشیده‌اند. حالا شاید برخی با خودشان بگویند مگر لباس ورزشی ایرانی در این حد استاندارد هم داریم که بپوشیم و در اتفاقات ورزشی جهانی حاضر شویم، احتمالاً این افراد هنوز با نشان تجاری مجید که متعلق به کشور خودمان است، آشنا نشده‌اند. نشان تجاری که صاحب آن حالا در جهان شناخته شده است، اما هنوز هم به این افتخار می‌کند که یک ایرانی اهل شهر اندیمشک است.

ساعدی فرو نیروی کار چشم بادامی



حالا مروژ یا مجید ۱۴ سال است همپای نشان‌های تجاری معتبر در بازار این محصولات پرفروش خودنمایی می‌کند، در تهران و چند شهر دیگر هم شعبه دارد، هم کارگاه تولیدی، همچنین با ۲۵ کشور قرارداد خرید ثابت و به ۳۵ کشور مانند آذربایجان، گرجستان، مجارستان، ایتالیا، ترکیه، رومانی، لهستان، پاکستان، بنگلادش، نپال و آسیای میانه صادرات دارد. آن‌طور که خود ساعدی فر گفته تیم کشتی آلمان

که آدیداس یکی از پرآوازه‌ترین و محبوب‌ترین برندهای ورزشی جهان را دارد، دوبنده ایرانی می‌پوشد و این افتخار آمیز است.

حالا با این فهرست بلند بالا وقتی بگوییم مروژ ما هانه بیش از ده هزار کیف، کفش، کوله و انواع پوشاک و تجهیزات مرغوب در کارخانه و نمایندگی‌های فروش در چند شهر تولید و روانه بازار داخل و خارج می‌کند، برایتان رقم عجیبی نخواهد بود.

این نکته جالب را هم بگوییم که ساعدی فر کارگاهی هم در کشور چین راه‌اندازی کرده که حاشیه‌هایی برایش داشت. در بازی‌های سال گذشته تیم ملی والیبال بسیاری گفتند لباس‌هایی که مروژ به بازیکنان داده در چین تولید شده، اما ساعدی فر موضوع را رد کرد و گفت لباس‌های تیم ملی در اندیمشک اولین شهری که این نشان تجاری کارش را شروع کرده تولید می‌شود، علاوه بر همه فعالیت‌های موفق ساعدی فر، این ایران دوستی و اندیمشک دوستی‌اش بیش از همه چیز به آدم می‌چسبد.

مورچه ایرانی در المپیک ۲۰۱۶

اوج درخشش مروژ در المپیک ۲۰۱۶ ریو بود. جایی که با فعالیت گسترده خود را به عنوان یکی از موفق‌ترین تیم‌های ایرانی در برزیل و برنده این رویداد مهم معرفی کرد. پوشاک ایرانی بر تن ورزشکاران ۲۵ کشور از ۵۰ کشور در دهکده المپیک، رخداد شیرینی بود که برای اولین بار در تاریخ المپیک و صنعت پوشاک کشور رخ داد. البته چهار سال قبل از آن هم همه تیم‌های حاضر در تورنمنت بین‌المللی والیبال ساحلی در دو بخش بانوان و آقایان با لباس مجید به میدان رفته بودند.

صاحب برند مجید کیست؟

برند مجید یا همان مروژ متعلق به دکتر مجید ساعدی فر است. او هشت سال فیزیوتراپ تیم ملی فوتبال ایران بوده و در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه به عنوان پزشک فیزیوتراپ، تیم ملی فوتبال ایران را همراهی کرده است. او از نزدیک با مسائل و موضوعات مرتبط با تهیه لباس برای بازیکنان آشنا شده و آن‌طور که خودش می‌گوید بارها به علت آشنایی‌اش با زبان انگلیسی همراه با بازیکنان راهی خرید لباس در دیگر کشورها شده و به این موضوع فکر کرده که چرا نباید خودمان در ایران تولید لباس ورزشی در حد استفاده تیم ملی داشته باشیم؟ بعد هم یک روز تصمیم می‌گیرد این ایده را اجرایی کند و خودش وارد میدان شود.

ساعدی فر خورستانی و اندیمشک زادگاهش است پس کارش را در همین شهر شروع می‌کند تا هم در شهرش اشتغال‌زایی کند و هم بتواند یک نیاز مهم تیم‌های ورزشی ایرانی را برطرف کند. حالا نام برند را چه بگذارد؟ در ایران برند را بیشتر با نام خودش یعنی مجید می‌شناسند، اما او نام دیگری هم برای برند انتخاب می‌کند که هر چند لری است، اما شکل و واگانی‌اش قابلیت ارائه جهانی نیز به آن می‌دهد.

«مروژ» یعنی مورچه و چه موجودی عجیب‌تر و قوی‌تر از همین جناب مورچه که هر چند به ظاهر کوچک و نحیف است، اما کارهایی می‌کند کارستان! M نماد این برند است که روی لباس‌های طراحی شده‌اش دیده می‌شود.



همه منهای تیم ملی فوتبال!

قبل‌تر هم در گزارش مفصلی رفته بودیم سراغ حاشیه‌های تهیه لباس برای تیم ملی فوتبال کشورمان و دلایلی که نمی‌گذارند لباس ایرانی بازیکنان این ورزش را همراهی کند.

حالا هم طبق اطلاعات موجود می‌بینیم که علاوه بر والیبال، تیم‌های ملی قایقرانی، کشتی، ووشو، تیراندازی و بسکتبال از مشتریان دیگر و پرشمار این برند محسوب می‌شوند.

همچنین تیم‌های صنعت نفت آبادان، سپید رود رشت، تراکتور سازی و ماشین سازی تبریز، ذوب آهن اصفهان و پارس جنوبی جم در لیگ برتر و خونه به خونه بابل و مس رفسنجان در لیگ یک مجید پوش هستند

همچنین تهیه پوشاک موردنیاز کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا به میزبانی اندونزی به عهده مروژ بوده است.

۲

